

علاوه بر تبعیت از فرمان رهبری باید اشارات رهبری را هم دنبال کنیم. ما معتقد به این نگاهیم. حرف ما متفاوت از دیدگاه کسانی است که می گویند ما فکرمان را تعطیل کنیم و ببینیم رهبری چگونه تفکر می کنند که این هم غلط است. بین کسی که می گوید من ذوب در رهبری هستم و کسی که می گوید رأی مستقل اشکالی ندارد و کسی که می گوید من اشارات رهبری را هم مدنظر قرار می دهم، تفاوت وجود دارد. البته هر سه به نحوی در دایره این نظام هستند؛ هر چند که ماجریاناتی داریم که احیاناً خودشان را در چنین قلمرویی تعریف نمی کنند و معتقد نیستند باید از تمام دستورهای رهبر معظم انقلاب تبعیت کرد.

مثل همان دیدگاهی که منجر به خانه نشینی ۱۱ روزه محمود احمدی نژاد شد...

بله؛ تخلف کردند. با اینکه آقا دستور داده بودند در اجرا تعلل شد. در کل تفاوت «جبهه مردمی» با دولت آقای روحانی در اصول و شعارها نیست، در عملکردهاست. رهبر معظم انقلاب اواخر سال ۹۲ موضوع اقتصاد مقاومتی را مطرح کردند؛ متعاقب این فرمایش انتظار این است که ظرفیت عظیم درونی نظام جمهوری اسلامی برای اقتصاد مقاومتی به کار گرفته شود. یکی از ظرفیتها، ظرفیت عامه ملت است و ما این توجه را از سوی دولت آقای روحانی نمی بینیم. مدیریت اجرایی کشور باید ظرفیت های مردم را به کار بگیرد؛ بخشی از این ظرفیت در بسیج است. اگر بسیج که نماینده همه اقشار این ملت است به میدان بیاید، با اوضاع متفاوتی روبه رو خواهیم بود.

حتماً این تعبیر را می پذیرید که بخش اعظمی از نهادهای تأثیرگذاری چون صداوسیما، بسیج، تربیون های نماز جمعه، سپاه و زنجیره ای از رسانه ها در اختیار اصولگرایان است؛ با توضیحات شما این پرسش ایجاد می شود که اصولگرایان از سال ۹۲ به این طرف برای اقتصاد مقاومتی چه کار کرده اند که حال می خواهند با در اختیار گرفتن دستگاه اجرایی، آن را تکمیل کنند؟ بویژه آن که از سال ۹۲ تا در دهبهشت امسال مجلس شورای اسلامی در

منظور ما از «جبهه مردمی نیروهای انقلاب»، همان توده عظیم بی نام و نشان و بدون تابلویی است که هوادار اصل و بقای نظام است؛ با تمام وجود از رهبری تبعیت می کند؛ به دنبال کارآمدی نظام است؛ معتقد است می توانیم با ظرفیت های داخلی کشورمان را بهتر اداره کنیم

اختیار اصولگرایان بود.

وقتی بخش اعظم توان و ظرفیت اجرایی در دست دولت است، نقش اساسی را هم دولت ایفا می کند و اگر دولت این مجموعه را بسیج کند، نتیجه بسیار بسیار متفاوت خواهد بود تا این که دولت به این مجموعه ها بی تفاوت بوده و انتظار داشته باشیم خود این مجموعه ها گام هایی بردارند و به نتیجه برسند. در عین حال الان سپاه به مناطق محروم خدماتی ارائه می دهد و بسیج سازندگی ایجاد کرده است. خبرهایی داریم مبنی بر این تعداد قابل توجهی از روستاها توسط سپاه فعالیت دامداری، مرغداری، کشاورزی و امثالهم انجام داده و در این حوزه تأثیرگذار است. اگر دولت به اینها بود چه داده و منابع را در اختیارشان قرار می داد، حتماً این حرکت چندین و چند برابر افزایش پیدا می کرد و آثار و نتیجه بهتری داشت. اگر دولت بعدی این حرکت را حمایت کند، آن وقت خواهیم دید که ظرفیت های اقتصاد ملی چگونه توسط نیروهای انقلابی و سپاه و بسیج، ما در راستای اقتصاد مقاومتی به کار گرفته می شود.

«جبهه مردمی» برای این که تجربه های گذشته مانند خلف وعده ها و تعدد نامزدها پیش نیاید، چه ساز و کاری اندیشیده؟ «جبهه مردمی» از تمام کسانی که می خواهند وارد این جریان بشوند می خواهد یک تعهد نامه امضا کنند. این درباره کسانی است که خود را در این مجموعه تعریف کرده اند؛ هر چند که احتمال خلف وعده همین طیف هم هست. منظور نامزدهای اصولگراست که از ابتدا با «جبهه مردمی» همراه نیستند؟

وقتی کسی نمی خواهد وارد این مجموعه بشود، هیچ اهمی هم برای کنترلش نیست.

ممکن نیست «جبهه» را دچار مشکل کند؟

طبعاً خواهد کرد؛ البته تلاش بر این بوده با کسانی که مایل نیستند همراهی نشان بدهند مذاکره بشود و اینها را به هر روشی قانع کنند تا وارد این جریان بشوند. اگر کاندیدا هستند، خودشان را در این مجموعه عرضه کنند. در کل مجموعه بنا را بر این گذاشته که ائتلاف حداکثری را دنبال کند نه صد درصدی.

نظام، منافع حزبی و گروهی و حتی شخصی خود را تعقیب کنند. اگر تدبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی و هشیاری و بصیرت ملت نبود، کشور ما ماه ها با بحران درونی روبه رو بود. منشأ این بحران درونی، نادیده گرفتن مصالح ملی و مواضع انقلابی بود. یک وقتی تشبیهی کرده و گفته ام نظام ما مانند هواپیما می پرواز است؛ اگر در کابین خلبان اختلافی بین خلبان و کمک خلبان نباشد، هواپیما مسیر معمول و متعارف خود را طی می کند و به سلامت به زمین می نشیند؛ و لو این که در کابین مسافران درگیری و نزاع وجود داشته باشد و چند نفر هم کشته شوند. ولی اگر در کابین خلبان، شاهد نزاع بین خلبان و کمک خلبان باشیم، هواپیما دچار تلاطم می شود و سقوط محتمل است. ما در گذشته شاهد این درگیری، اختلاف و چالش درونی نظام بین رهبری و ریاست جمهوری با بین رهبری و کاندیدی ریاست جمهوری بوده ایم؛ اینجاست که می فهمیم چه جریانی حاضر است برای اینکه نظام باقی بماند، خود را و جایگاهش را فدا کند و چه جریانی حاضر نیست. این مباحث ایدئولوژیک نیست؛ کاملاً میدانی و مصداقی است. مردم ما در ۳۸ سال گذشته، ناکارآمدی های مدیریت اجرایی را تجربه و دائماً ناراضی خود را اعلام کرده اند؛ از رشد قیمت ها، بیکاری، تبعیض و فساد ناراحتند، ولی جایی که پای حفظ نظام به میان می آید، همه ناراضی ها و انتقادها را کنار می گذارند و به میدان می آیند. شاهدش راهپیمایی های ۲۲ بهمن و مواردی نظیر این است.

و مشارکت در انتخابات...

بله؛ این حضور نشان می دهد توده مردم با تمام وجود می خواهند این نظام حفظ شود. در عین حال شاهد هستیم گروهی آهنگ متفاوتی زده و رویه متفاوتی را دنبال می کنند؛ گویی دنبال این هستند تعدیلات، تغییرات و اصلاحاتی در نظام جمهوری اسلامی ایجاد کنند. خواسته این طیف با آن چیزی که انقلاب آن را نمایندگی می کند، متفاوت است.



چه کسی این تفاوت را تشخیص می دهد؟

بحث شخصی نیست؛ این اتفاقی است که در سطح رسانه ها رخ می دهد؛ خودش را در سخنرانی ها، مقالات و مصاحبه ها نشان می دهد.

قبلاً به این گروه دگراندیش می گفتند؛ یعنی کسانی که در مقابل اندیشه های انقلابی تفکر متفاوتی دارند. اینها توانستند در بعضی از دوره ها به نحوی اثرگذار و نقش آفرین باشند و همین ها منشأ چالش شدند. منظور ما از «جبهه مردمی نیروهای انقلاب»، همان توده عظیم بی نام و نشان و بدون تابلویی است که هوادار اصل و بقای نظام است؛ با تمام وجود از رهبری تبعیت می کند؛ به دنبال کارآمدی نظام است؛ معتقد است می توانیم با ظرفیت های داخلی کشورمان را بهتر اداره کنیم. الان مردمی که با ما روبه رومی شوند می پرسند: «چه کاری می کنید؟! نظام در خطر است؛ احتمال بحران وجود دارد.» به عبارت دقیق تر این حس و درک مشترک میان مردم وجود دارد که باید کار را به دست کسانی بسپاریم که توانا تر، کارآمدتر، نسبت به اصول و مبانی نظام مقیدتر هستند و در مقابل دشمنان این نظام قوی تر ظاهر شوند نه این که ضعف نشان بدهند.

سال ۹۲ رهبر معظم انقلاب در ساعت نخست رأی گیری فرمودند کسانی که نظام را قبول ندارند و من را هم قبول ندارند، اما به خاطر این که ایرانی هستند پای صندوق رأی بیایند؛ نکته ای که کمتر اشاره شده این است اگر کسی رهبر معظم انقلاب را به تعبیر خود ایشان قبول نداشت، چرا به حرف ایشان پای صندوق رأی آمد؟ اصولگرایان این داعیه را دارند که فرمانبردار تر و مطیع ترند؛ آیا این به این معناست که طرف مقابل به حدی معتقد نیست که ممکن است اصل و بقای نظام را با مشکل مواجه کند؟

نمی خواهم این نتیجه را بگیرم و بگویم اهداف شناخته شده و ضمنی جریان مقابل، نادیده گرفتن اصل انقلاب و نظام است؛ ولی حد حمایت و تبعیت از مواضع رهبری بین دو جریان متفاوت است. بد نیست مثالی بزنم؛ مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی دیدگاه های متفاوتی با رهبر معظم انقلاب داشتند و از خودشان شنیده بودیم که ایشان در جلسات خصوصی با آقا، دیدگاه هایشان را مطرح می کردند؛ اگر توانستند، همدیگر را قانع می کردند و اگر نمی توانستند همدیگر را قانع کنند، آقای هاشمی از رهبر انقلاب اطاعت و تبعیت می کرد. این دیدگاه متفاوت است با دیدگاه شخصیتی مثل مرحوم آیت الله مهدوی کنی که نظرشان این بود ما

دارد؛ چرا که این جامعه ترکیبی از نیروهای شهرستان ها، مراکز استان، تهران و گروه های اجتماعی است که اشاره کردم، نمایندگان احزاب هم هستند که در این ترکیب به آنها وزن کمتری داده می شود. حفاظت از اصل نظام، استفاده از ظرفیت های کشور و امثالهم جزو بدیهیات و گفتمان اصلی نظام است و متعلق یادر انحصار جریان خاصی نیست؛ تمام جریان های سیاسی که پذیرفته اند در چارچوب انتخابات وارد میدان شوند، به این اصول ملتزم هستند و اصلاً اگر چنین التزامی نباشد، تأیید صلاحیت نمی شوند. آیدار میدان رقابت انتخابات ریاست جمهوری، می توان روی این اصول کلی مانور داد و به نتیجه امیدوار بود؟ چه بسا کاندیدی اصولگرایی خارج از «جبهه مردمی» وارد عرصه شود و اتفاقاً معتقد باشد بیش از «جبهه مردمی» به این اصول پایبند است؛ در آنجاست که بحث بر سر روشها پیش می آید که وجه افتراق جریان های سیاسی درون نظام است؛ سوال اینجاست روش های «جبهه مردمی» مثلاً برای منافع ملی چیست و چه مختصاتی دارد؟ برای نمونه شما هنگام تصویب برجام در مجلس بودید. هیأت رئیسه مجلس نهم، اصولگرا بود. بدنه مجلس نهم، اصولگرا بود؛ اما اصولگرایان مجلس بر سر تصویب «برجام» دو طیف بودند و از موافق سرسخت تا مخالف سرسخت برجام را شامل می شدند. حال این طیف می خواهد در انتخابات شرکت کند، می خواهد چه تابلویی در دست بگیرد؟ می خواهد منافع ملی را «با» یا «بی» برجام پیش ببرد؟ ادبیات آقای باهنر غالب خواهد بود یا آقای روح الله حسینیان؟

درست است که مجموعه اصولگرایان در برخی موارد با هم اختلاف دارند، اما از این مجموعه فراتر نگاه کنید. اگر ذهنیتتان از این قالب ها خارج شود، می بینید مردمی که در طول ۳۸ سال گذشته و حتی پیش تر از آن، هواداری خودشان را از اسلام، نظام، امام (ره) و بعد هم رهبری به صورت جدی نشان داده اند، مطالباتی دارند. مطالبات اینها با افراد دیگر تفاوت دارد که دارای روحیه انقلابی، اینها، گذشتن از منافع شخصی نیستند یا اگر هم هستند با درجات ضعیف تری این روحیه را دارند.

مطالبات این طیف که «جبهه مردمی» می خواهد آن را نمایندگی کند، چیست؟

اولویت اول حفظ نظام جمهوری اسلامی است؛ و لویه به قیمت اینکه این حزب و آن حزب با این جریان و آن جریان، رأی نیاورد یا رقیب رأی بیاورد. ما در راستای حفظ نظام، نگرانیم و می بینیم که مردم هم نگرانند. وقتی می گوئیم جریان انقلاب، منظورمان جریانی است که روی ظرفیت های ملی، توانایی مردم ایران و نخبگی جوانان اتکامی کند و به جای اینکه نگاهش به بیرون باشد، به درون است؛ امام (ره) و رهبری را محور اندیشه و رفتار خودش را قرار می دهد؛ بنایش بر این است حد اکثر رهنمودها را دنبال کند. برای مدیریت اجرایی کشور کسی را می خواهد که ملتزم برپروا قرض راه امام و رهبری باشد و نظام جمهوری اسلامی را ارتقا بدهد؛ کارآمدی نظام را بهتر نشان دهد و قدرت رفع مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی که جامعه از آن رنج می برد را داشته باشد؛ از ظرفیت داخل به طور کامل استفاده کند و تعاملشان در سطح بین المللی بر اساس منافع ملی، نگاه انقلابی، ارتقای جایگاه، قدرت و عزت نظام باشد نه چیز دیگری. به نظر می رسد عمده مباحث ایدئولوژیک و تئوریک است و نمی خواهد منحصر به انتخابات باشد؛ جریانی که می خواهد بعداً حتی اگر در مصدر قدرت نباشد در جامعه تأثیرگذار باشد.

دقیقاً؛ در دست برداشت کردید. به عبارت دیگر شاید گام اول برای انتخابات باشد ولی بعد از انتخابات چه پیروز شود چه نشود، گام های اساسی تری برمی دارد تا امید حفظ نظام همچنان در میان ملت باقی بماند و نسل جوان حس کنند نسل های گذشته با چه ایثارگری هایی انقلاب را ایجاد و حفظ کرده و به آنان سپرده اند. در این صورت جوانان انگیزه پیدا می کنند این راه را ادامه دهند.

به نظر شما اظهاراتتان این سوء تعبیر را ایجاد نمی کند که عده ای بر این باورند که مثلاً آقای روحانی کاندیدی اصلی انتخابات چندان دنبال حفظ اصل نظام نیست و حال این نگرانی وجود دارد و «جبهه مردمی» می خواهد به میدان بیاید؟ این دغدغه از کجا آمده است؛ چه چیزی باعث نگرانی شما شده که در این چارچوب به آقای روحانی نمی رسید؟

ممکن است شعراها مشابه و مشترک باشد؛ البته گاهی اینطور هم نیست. ما از ایدئولوژی فراتر رفته ایم؛ درست است همه می کوشند به نحوی خود را همراه این ایدئولوژی نشان بدهند اما ادبیات قوی و ضعیف وجود دارد؛ برخی از این ادبیات، قوی تر استفاده می کنند بعضی ضعیف تر. از این ادبیات مهم تر، به ظهور و بروز رسیدن این ایدئولوژی در مقام عمل و تصمیم گیری است. در جریان فتنه ۸۸ بعضی ها حاضر شدند به قیمت متزلزل کردن